

فرهنگ پیشگیری از اتلاف منابع ملی^۱ وراه‌های ایجاد آن

علی محمد کاردان

عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

چکیده: در این مقاله، منظور از منابع ملی علاوه بر منابع طبیعی، روزمینی و زیر زمینی و یا ساخته دست و مغز آدمی، منابع دیگری نیز هست که می‌توان آنها را منابع انسانی نامید. منابع اخیر سرمایه‌هایی مانند وقت و نیروی جسمانی و روانی مردمی را که در سرزمینی زندگی می‌کنند شامل می‌شود. دانشمندانی که درباره منابع ملی و چگونگی پیشگیری از اتلاف آنها را بررسی می‌کنند عدم توجه به با استعداد و بی‌اعتنایی نسبت به تربیت درست آنان یا از دست دادن افراد فرهیخته را نیز نوعی اتلاف منابع ملی می‌شمارند.

در کشورهای پیشرفته جهان برای پیشگیری از اتلاف منابع مذکور علاوه بر متخصصان تولید و توزیع این منابع، از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی کمک می‌خواهند. نتایج پژوهش‌های این دانشمندان نشان داده است که برای درمان این آسیب اجتماعی، در وهله اول باید به تغییر رفتار مصرف‌کنندگان یعنی تبدیل رفتار همراه با اسراف و تبذیر کنونی آنان، به رفتاری اندیشیده و توأم با اقتصاد پرداخت. برای متحقق ساختن این تغییر غالباً دو خط مشی در پیش گرفته می‌شود. خط مشی اول که در ظاهر زود به نتیجه می‌رسد خط مشی قهری یا

اجباری^۱ و خط مشی دوم فرهنگ آموزی^۲ است هدف خط مشی اخیر ایجاد نگرش مثبت در افراد و جامعه و عادات مطلوب ناشی از آن است. این خط مشی چنانکه پژوهشهای روانی - اجتماعی نشان داده است در کوتاه مدت اثر بخش نیست لکن دارای آثار عمیق و پایدار است. در این مقاله نویسنده نخست به بیان عناصر سازنده فرهنگ پیشگیری پرداخته و سپس موانع ایجاد این فرهنگ را بررسی کرده و در پایان مبانی و روش‌های ایجاد فرهنگ پیشگیری از اتلاف منابع را بر شمرده و نشان داده است که ایجاد این فرهنگ عمدتاً از طریق نظام آموزش و پرورش به معنی وسیع کلمه میسر است.

واژه‌های کلیدی: خط مشی قهری و اجباری، فرهنگ آموزی، خود محموری، ارتباط درک متقابل

۱. مقدمه

در این مقاله منظور از منابع ملی، منابع طبیعی روی زمینی مانند آب و جنگل یا منابع زیرزمینی مانند مواد نفتی از قبیل بنزین، گاز و نیز موادی است که بر اثر صنعت به دست می‌آیند. به این منابع می‌توان زمان یا وقت به معنی اجتماعی کلمه و نیروی جسمانی و روانی مردمی را که در سرزمینی زندگانی می‌کنند نیز افزود. منابع اخیر که از فعالیت‌های انسانی سرچشمه می‌گیرند، اگر در مقایسه با منابع طبیعی و صنعتی مهم‌تر نباشند، اهمیت آنها کمتر از این دسته منابع نیست، چه با مصرف درست و عاقلانه و سنجیده منابع انسانی است که منابع دیگر چنان که باید و شاید حفظ می‌شوند و بجا و در جهت پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به مصرف می‌رسند.

برخی از دانشمندانی که در باره منابع ملی بررسی می‌کنند، عدم توجه به افراد با استعداد و بی‌اعتنایی به تربیت آنان یا از دست دادن افراد فرهیخته را نیز نوعی اتلاف منابع ملی می‌شمارند و بر این عقیده‌اند که مثلاً وقتی جوانان را به جای راهنمایی درست، به اجبار به تحصیل در رشته‌ای وادار می‌کنیم که به آن علاقه‌ای ندارند، این رفتار باعث دلسردی و یأس

۱. Power - Coercive

۲. Acculturation

آنان می‌شود و آنها را از انجام دادن کار اجتماعی مفید باز می‌دارد و این وضع نیز ثروت معنوی را به هدر می‌دهد. با این همه، غالباً مقصود از منابع ملی منابع طبیعی و ساخته‌ای است که در آغاز این مقدمه به آن اشاره شد. منابع ملی هم‌اکنون در سراسر جهان و در برخی کشورهای بیش از بقیه به صورت‌های گوناگون به هدر می‌رود و این در جهان و عصری است که کشورهای بسیاری از کمبود این منابع رنج می‌برند و با فقر و محرومیت از مواد غذایی و آب و دارو و نظایر آن دست به گریبان‌اند. کشور ما نیز کمابیش در چنین وضعیتی قرار دارد و همان‌گونه که یکی از پژوهشگران ما نوشته‌اند، در حالی که برای مثال "اتلاف وقت در کشورهای پیشرفته ضدارزش تلقی می‌شود، در کشور ما این گونه نیست و افراد به آن عادت کرده‌اند و حساسیت زیادی به آن نشان نمی‌دهند" [۲]. همان‌گونه که در اغلب تحقیقاتی که راجع به مصرف آب، بنزین، دارو و نظایر آن صورت گرفته است و یک نمونه آن در نخستین کنفرانس روش‌های پیشگیری از اتلاف منابع ملی در خردادماه [۱] سال گذشته (۱۳۸۳) به صورت مقالات ارزنده عرضه شد، "طبق آمارهای منتشر شده مصرف سرانه آب، انرژی، دارو و نان و سایر مواد غذایی و صرف وقت برای انجام [دادن] یک کار معین در ایران چند برابر استانداردهای جهانی است." بنابراین، اندیشیدن در باره این موضوع به منظور یافتن راه‌های بهبود آن ضروری است. بدیهی است که برای درمان این آسیب اجتماعی در وهله اول باید به تغییر رفتار مصرف‌کنندگان و تبدیل رفتار همراه با اسراف و تبذیر آنان به رفتاری عاقلانه و توأم با اقتصاد پرداخت. در کشورهای پیشرفته جهان برای رسیدن به هدف مذکور علاوه بر متخصصان تولید و توزیع این منابع، از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی و نتایج پژوهش‌هایشان در زمینه تغییر رفتار افراد کمک خواستند و به روش‌های نسبتاً مؤثری دست یافتند. این روش‌ها را می‌توان در دو دسته قهری یا اجباری^۱ و خط‌مشی فرهنگی آموزشی^۲ قرار داد و خط‌مشی اول از راه قانونگذاری و اجرای قوانین و مقررات به وسیله نهادها و اعمال مدیریت صورت می‌گیرد و مهم‌ترین سازکاری که در این خط‌مشی معمول است، تشویق و تنبیه [و بیشتر تنبیه] است که در حال حاضر، معمول‌ترین خط‌مشی برای

۱. Power - Coercive

۲. Acculturation

پیشگیری از اتلاف منابع ملی است و ظاهراً در مدتی کوتاه به نتیجه مطلوب منتهی می‌شود. خط‌مشی دوم [که در اینجا ایجاد فرهنگ پیشگیری و آموزش آن به قشرهای مختلف جامعه است] به زمان بیشتر و رعایت قوانین حاکم بر تغییر نگرش و رفتار در افراد نیاز دارد. این خط‌مشی چنان‌که پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی نشان داده است، در کوتاه‌مدت اثربخش نیست، لیکن دارای آثاری عمیق و پایدار است. در این مقاله نویسنده سعی خواهد کرد پس از بیان معنی فرهنگ پیشگیری از اتلاف منابع ملی و موانع ایجاد آن، اصول و شرایط ایجاد آن را در جامعه نشان دهد.

۲. معنی فرهنگ و فرهنگ پیشگیری

فرهنگ^۱ دارای معانی گوناگونی است و علمای اجتماعی به‌ویژه انسان‌شناسان تعاریف متفاوتی از آن به‌دست داده‌اند. روی هم رفته، فرهنگ را می‌توان مجموعه آداب و رسوم و قواعدی دانست که در گروه اجتماعی معین در ارتباط با عالم بیرونی و از راه تجربه به‌دست می‌آید و به‌وسیله گروه مسئول پذیرفته می‌شود و رواج می‌یابد و چون میراثی از این نسل به نسل بعد انتقال می‌یابد. فرهنگ به این معنی با پدیده‌های اجتماعی دیگر در ارتباط است و این دو بر روی یکدیگر تأثیر متقابل دارند. معنی دیگر فرهنگ فعالیت‌هایی است که در آموزش و پرورش خلاصه می‌شود و بیشتر با رفتار آدمی و تغییر آن سر و کار دارد. معنی دیگر این کلمه مجموعه نگرش‌ها؛ یعنی شناخت‌ها و ارزش‌یابی‌ها و رفتارهایی است که در زمینه معینی در جامعه وجود دارد یا رفته رفته به‌وجود می‌آید و برای آنکه امر اجتماعی معینی سامان پذیرد، افراد باید این نگرش‌ها را در خود ایجاد کنند یا بهتر بگوییم آموخته باشند. یک نمونه از این فرهنگ همان است که امروز مردم در مورد شهرنشینی یا رانندگی به کار می‌برند و مثلاً تخلفات رانندگی را ناشی از نبود "فرهنگ رانندگی" می‌دانند؛ به عبارت دیگر، افراد رفته رفته پی برده‌اند که اصلاح فردی برای نیل به مقصود کافی نیست و باید همه یا دست‌کم اکثریت اعضای جامعه به فایده و لزوم عمل معینی [مانند بستن کمربند به هنگام رانندگی و رعایت قوانین دیگر رانندگی] اعتقاد داشته باشند و از همه مهم‌تر فایده اجرای آن را احساس کنند و

نیز رعایت قوانین مذکور و عمل به آنها را از سوی دیگران نیز شاهد باشند و این ویژگی‌ها همان است که از محیط با جو فرهنگی ناشی می‌شود.

در مورد پیشگیری از اتلاف منابع ملی نیز وجود چنین جو یا محیط فرهنگی ضروری است، چنان که در برخی از توصیه‌های نخستین کنفرانس مربوط به روش‌های پیشگیری از اتلاف منابع ملی، که در تاریخ ۱۹ تا ۲۱ خرداد ماه ۱۳۸۳ در فرهنگستان علوم برگزار شده، دیده می‌شود. در ضمن این توصیه‌ها چنین آمده است:

۱. در یک نامه گسترده در رسانه‌های گروهی و کتاب‌های درسی اتلاف منابع ملی به اطلاع مردم رسانده شود و فرهنگ صرفه‌جویی و تلف نکردن منابع ملی در مردم پرورش داده شده [شود] و روش‌های استفاده صحیح از این منابع به آنان آموخته شود.

۲. در بند ۶ این توصیه در باره جلوگیری از مصرف بی‌رویه دارو نیز چنین آمده است: "مصرف دارو در کشور از طرق اصلاح آموزش پزشکی و نسخه‌نویسی ارتقای سطح فرهنگ عمومی مبنی بر تقدم پیشگیری بر درمان و افزایش کیفیت داروهای تولیدی بهینه گردد و روش‌های درمان غیردارویی مورد پژوهش قرار گیرد" [۲]. چنان که در این پیشنهادها ملاحظه می‌شود، لزوم ایجاد فرهنگ صرفه‌جویی در مردم و آموزش "روش‌های درست استفاده کردن از منابع ملی" و مطلع ساختن مردم از میزان اتلاف منابع ملی در رأس پیشنهادهای پیشگیری از اتلاف منابع قرار گرفته است. در مورد پیشگیری از اتلاف دارو نیز که یکی از مشکلات مهم کنونی کشور ماست، "آموزش درست" پزشکی از یک سو و ایجاد فرهنگ عمومی در جهت‌های گوناگون از جمله آگاه ساختن مردم از تقدم پیشگیری بر درمان از سوی دیگر، مهم شمرده شده است.

حقیقت این است که پیش از ایجاد فرهنگ پیشگیری از اتلاف منابع ملی باید موانع ایجاد چنین فرهنگی را شناخت و در صدد یافتن راه‌های از میان بردن این موانع و سپس ایجاد شرایط و زمینه‌های فرهنگ مطلوب بود.

به نظر نویسندگان موانع کنونی به وجود آمدن فرهنگ مذکور به این شرح است:

۱.۲. موانع ایجاد فرهنگ پیشگیری

بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که عواملی به شرح زیر می‌تواند افراد را به اتلاف منابع

ملی وادارد:

۱. عدم توجه به ارزش منابع ملی: به عبارت دیگر، هرچه افراد از اهمیت و ارزش منبع یا منابعی مانند آب یا غذا کمتر آگاه باشند، این احتمال وجود دارد که در مصرف آن زیاده‌روی کنند.
۲. وفور منبع یا منابع زمین: هر قدر منبع معینی با وفور بیشتر در دسترس افراد باشد، آنها کمتر به لزوم صرفه‌جویی در آن توجه خواهند کرد. به همین دلیل، نسل‌های گذشته ما که طعم تلخ قحطی و گرسنگی را چشیده بودند، راضی نمی‌شدند حتی تکه‌ای نان خشک زیر پا به وسیله عابران خرد شود، بلکه با احترامی آمیخته به تقدس آن را از زمین برمی‌داشتند و در جای مناسبی می‌گذاشتند و راضی نمی‌شدند که این نعمت خداوندی پایمال شود. به این نکته نویسندگان و گویندگان بزرگ ایرانی مانند سعدی نیز توجه داشته‌اند، چنان که سعدی می‌فرماید: "تو قدر آب چه دانی که در کنار فراتی - سل المصانع رگباتهیم فی الفلوات."
۳. مردم عموماً به صرفه‌جویی در منابعی که به شخص ایشان تعلق ندارد و هزینه آن را نهاد یا افراد دیگر می‌پردازند، توجه چندانی ندارند. مثلاً کسی که در خانه خود در روز روشن چراغ‌ها را خاموش می‌کند یا زمانی که هوا رو به گرمی می‌رود دستگاه حرارتی خود را به منظور کاهش انرژی تنظیم می‌کند، در اداره یا سازمان محل کار خود چراغ‌های آن مکان را در روز روشن و پس از رفع نیاز روشن می‌گذارد و این کار را طبیعی می‌داند.
۴. عامل دیگری که می‌تواند مانع صرفه‌جویی در مصرف منابع ملی شود، خصلت خودمحوری و بی‌اعتنایی به منافع و مصالح دیگران است. در واقع، احساس افراطی فردیت و عدم همبستگی با دیگران غالباً سبب می‌شود که افراد در مصرف مواد مختلف زیاده‌روی کنند، در حالی که هرگاه افراد بدانند که مصرف بیش از حد آب یا برق دیگران را به زحمت می‌اندازد و اگر افراد دیگر نیز به همین روال عمل کنند و میزان مصرف از حد معینی بگذرد این عمل باعث محروم شدن آنان از منابع مذکور می‌شود، در بین این دو راه، صرفه‌جویی را انتخاب خواهند کرد.
۵. عامل دیگری که می‌تواند مانع صرفه‌جویی در کاربرد منابع ملی شود، ناآگاهی نسبت به شیوه درست مصرف این منابع است و این رفتار را غالباً در مصرف آب و مواد انرژی‌زا مشاهده می‌کنیم. بنابراین، اشخاص یا گروه‌ها مانند خانواده، به شرط مصمم بودن در

صرفه جویی، باید راه‌های این کار را بدانند و ابزارهای لازم را در اختیار داشته باشند.

۶. امر دیگری که افراد را به صرفه جویی در منابع ملی بی‌توجه می‌سازد، غفلت از هزینه‌ای است که اسراف در مصرف برای ایشان در بر دارد. تحقیقات نشان داده است که وقتی مردم تشویق شوند که از هزینه‌هایی که بابت مصرف مواد مختلف مانند آب یا انرژی می‌پردازند مرتباً صورتی تهیه کنند، همین عمل ساده آنان را به اجتناب از زیاده‌روی در مصرف وادار می‌کند.

۷. عامل دیگری که سبب می‌شود افراد در مصرف منابع ملی سهل‌انگار باشند این است که در تصمیم‌هایی که از سوی سازمان‌های مربوط برای پیشگیری از مصرف زیاد اتخاذ می‌شود خود را سهیم نمی‌دانند و دستورهایی را که از سوی مدیران سازمان صادر می‌شود نوعی تحمیل یا دخالت در آزادی خود می‌دانند. به‌طور کلی، به‌نظر روان‌شناسان اجتماعی در این زمینه "نتایج بهتر وقتی حاصل می‌شود که ارتباط و درک متقابل تشویق شود و وقتی افراد احساس کنند که در تأمین چگونگی مصرف و تنظیم برنامه صرفه جویی به‌طور مستقیم شرکت داده شوند، در این مورد احساس تعهد بیشتری خواهند کرد" [۹]

۳. مبانی ایجاد فرهنگ پیشگیری از اتلاف منابع ملی

پیشگیری از اتلاف منابع ملی راه‌های گوناگونی دارد که در دو خط‌مشی - چنان که پیشتر گفته شد - خلاصه می‌شود و عبارت است از: شیوه اجباری و قهری و شیوه آموزش و فرهنگ‌آموزی. همان‌طور که قبلاً یادآوری شد، تحقیقات گوناگون در این زمینه ثابت کرده است که شیوه قهری نظیر وضع قانون و جریمه کردن و نظایر آن هرچند ممکن است در کوتاه مدت مؤثر باشد، اما به اندازه شیوه دوم به‌صورت پایدار اثربخش نیست یا اثربخشی آن به کاربرد شیوه دوم بستگی دارد؛ به عبارت ساده‌تر، مردم زمانی داوطلبانه و آگاهانه قانون و مقررات مربوط به پیشگیری را رعایت می‌کنند که به لزوم و فایده رعایت آن اعتقاد داشته باشند و مطمئن باشند که دیگران نیز قانون یا دستور مربوط را اجرا خواهند کرد و چنین وضعی زمانی به‌وجود می‌آید که نسبت به پیشگیری مورد نظر نگرش مثبتی در مردم به‌وجود آید؛ به عبارت دیگر، در جامعه اعتقادات و اطلاعات و عادات مطلوب که می‌توان آن را فرهنگ پیشگیری نامید، وجود داشته باشد. اعتقادات مذکور به قرار زیر است:

۱. منابع ملی، چه طبیعی باشد و چه مصنوعی، از نعمت‌های خدادادی است که به انسان ارزانی شده است و افراد جامعه بشری باید عادلانه از آن بهره‌مند شوند و ادیان نیز اسراف و تبذیر را مذمت کرده‌اند، چنان که در قرآن مجید آمده است که خداوند اسرافکاران را دوست ندارد یا تبذیرکنندگان یاران شیطان‌اند.
 ۲. منابع ملی جزو ثروت همگانی است و حفظ آنها و رعایت صرفه‌جویی و اقتصاد در مصرف آنها به غنای ملت کمک می‌کند.
 ۳. این ثروت ملی متعلق به همه ملت است و همگان باید از آن بهره‌مند شوند و اگر یکی یا گروهی در مصرف آنها اسراف کنند، دیگران از این کار زیان خواهند دید.
- چنان که در صفحات قبل ملاحظه شد، عواملی از قبیل ناآگاهی از ارزش این منابع یا چگونگی صرفه‌جویی در مصرف آنها از یک سو و فردگرایی افراطی و عدم مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و خلاصه ضعف تربیت اجتماعی و عدم احساس همبستگی و اموری نظیر آن از سوی دیگر، مانع از شرکت در برنامه‌های صرفه‌جویی در منابع طبیعی است. بنابراین، هرچه بر آگاهی مردم نسبت به اهمیت و ارزش منابع طبیعی افزوده شود، آنان بیشتر و بهتر در برنامه‌های جلوگیری از اتلاف منابع ملی شرکت خواهند کرد.
- همان‌طور که روان‌شناسان ثابت کرده‌اند، بخش مهمی از رفتار انسان در زندگی، چه مثبت و چه منفی، به صورت عادت‌هایی است که در طی رشد و در دوران کودکی نخست در خانواده و مدرسه و سپس در جامعه رفته رفته در او پدیدمی‌آید است و بر روی هم خلق و خوی او را تشکیل می‌دهد. کودکی که در خانواده و زیر دست پدر و مادری که خود در مصرف حد و اندازه نمی‌شناسند و فرزندان خود را نیز در مصرف آب و برق و منابع دیگر راهنمایی نمی‌کنند بزرگ می‌شود، طبعاً اسرافکار خواهد شد و باید منتظر بود که وی در زندگانی شخصی و اجتماعی و در همه جاریخت و پاش را طبیعی بداند. اما کودک دیگری که در کنار پدر و مادر صرفه‌جو بزرگ شده و نسبت به ارزش و اهمیت منابعی مانند آب و نان و برق آگاه شده و به احتراز از اسراف و تبذیر عادت کرده باشد، به‌طور مسلم در همه احوال از اتلاف منابع مذکور پرهیز خواهد کرد. به‌طور کلی، جامعه‌ای را می‌توان دارای فرهنگ اجتناب از اتلاف منابع ملی دانست که از اهمیت و ارزش این منابع آگاه و به حفظ آنها معتقد باشد و در خانواده و مدرسه و جامعه چنین نگرشی را آموخته باشد و در اقداماتی که از سوی

سازمان‌های مسئول به عمل می‌آید، مشارکت داشته باشد و خود را شریک احساس کند. حال باید دید از چه راه‌هایی می‌توان این نگرش را در افراد به وجود آورد و آن را تقویت کرد.

۱.۴. راه‌های ایجاد یا تقویت فرهنگ صرفه‌جویی در مصرف منابع ملی

همان‌طور که قبلاً نیز یادآوری شد، در صورتی می‌توان به ایجاد یا تقویت فرهنگ صرفه‌جویی در جامعه‌ای امیدوار بود که نخست موانع تشکیل نگرش مثبت در افراد را از میان برداشت. این موانع صورت روانی و اجتماعی دارد و از طریق راه‌های زیر رفع خواهد شد:

الف. نظام آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی؛

ب. رسانه‌های گروهی مانند مطبوعات و به‌ویژه رادیو و تلویزیون؛

ج. سازمان‌دادن و مدیریت که می‌توان آن را، چنان که یکی از نویسندگان اشاره کرده‌اند، "مدیریت صرفه‌جویی" نامید [۳]. هدف این مدیریت، چه در سطح کشور و چه در سازمان‌ها و نهادها، بر انگیزختن مردم به مشارکت در تصمیم‌گیری‌هایی است که به تغییر عقیده و رفتار افراد و عادت دادن آنان به پرهیز از اسراف می‌انجامد.

آنچه به‌طور خلاصه در این زمینه می‌توان گفت این است که نظام آموزش و پرورش در ایجاد فرهنگ مورد نظر دارای نقش اساسی است و در اینجا منظور نظام آموزش و پرورش به معنی وسیع کلمه است و خانواده و آموزشگاه‌ها و رسانه‌های گروهی را در بر می‌گیرد. به این معنی که می‌توان از راه آموزش همگانی مردم را به صورت فردی و گروهی به صرفه‌جویی در مصرف منابع ملی تشویق کرد و برای تحقیق این امر از عقاید دینی و فرهنگ کهن ایرانی مدد گرفت.

در مدارس نیز میدان شناخت منابع ملی و اهمیت آنها در توسعه و پیشرفت اقتصادی کشور را در برنامه‌های آموزشی مختلف پیش‌بینی کرد و بخشی از کتاب‌های درسی را در مراحل مختلف به این امر اختصاص داد. از سوی دیگر، برای آنکه صرفه‌جویی در مصرف منابع به صورت عادت درآید، علاوه بر تشویق کودکان و نوجوانان در خانه، در مدرسه‌ها نیز مربیان می‌توانند با واداشتن دانش‌آموزان به مراقبت در مصرف منابعی مانند آب و برق، ایشان را نسبت به این رفتار هوشیار کنند و به رعایت آن عادت دهند.

آنچه گفته شد بیشتر مربوط به پیشگیری از اتلاف منابع طبیعی است. برای یافتن راه‌های

پیشگیری از امر مهم اتلاف منابع انسانی که در مقدمه به آن اشاره شد کار دشوارتر و ظریفتر از آن است که به توان آن را از راه آموزش و پرورش افراد جامعه به نتیجه رساند. اتلاف منابع انسانی که در جامعه به صورت‌های گوناگونی مانند مهاجرت یا به اصطلاح فرار مغزها و شیوه‌های تحمیلی انتخاب رشته‌های تحصیلی و شغلی صورت می‌گیرد به مطالعات وسیعتر و دقیقتری نیاز دارد که باید به مدد دانشمندان علوم انسانی به ویژه پژوهشگران اجتماعی و علوم تربیتی صورت گیرد. از راه این مطالعات است که می‌توان علت‌های این نوع اتلاف و زمینه فرهنگی مناسب برای کاستن یا ریشه کن کردن را شناخت و راه‌های مبارزه با آن را نشان داد. در این جا تنها به یکی از مواردی که بیشتر ناشی از عوامل درون آموزش و پرورش است توجه کنیم و آنچنان که بیشتر گفته مورد نبود راهنمایی تحصیلی و یا راهنمایی نادرست دانش‌آموزان در مرحله‌ای است که ناگزیر به انتخاب رشته تحصیلی و یا شغل آینده خود هستند. ورود در این مبحث وقت مجال بیشتری را اقتضا می‌کند که به نوشتن مقاله دیگری نیازمند است. آنچه در این جا می‌توان گفت این است که همانطور که در بسیاری از کشورهای پیشرفته سال‌هاست مرسوم است برای اجرای راهنمایی تحصیلی در مرحله میان دوره ابتدایی و متوسطه که دانش‌آموزان مرحله نوجوانی را طی می‌کنند و برای راهنمایی شغلی در دوره متوسطه باید سیاست خاصی در پیش گرفت که زمینه را برای این نوع راهنمایی مساعد سازد و نظامی پدید آید که بتواند جانشین امتحانات ورودی یا مسابقاتی مانند "کنکور سراسری" گردد^۱.

بدیهی است این اقدامات تربیتی باید در سطوح دیگر جامعه ادامه یابد. به این معنی که در سازمان‌های رسمی و غیررسمی و با همکاری کارکنان آن و ابتکارات ایشان، فرهنگ صرفه‌جویی جانشین اسرافکاری‌های کنونی شود و با استفاده از دستاوردهای روان‌شناسی اجتماعی شیوه‌هایی اندیشیده شود که مردم را به مشارکت در این مبارزه اجتماعی برانگیزاند.

۱- برای اطلاع از روشهای اجرای برنامه راهنمایی تحصیلی و شغلی می‌توان به کتاب‌هایی که درباره لزوم و شیوه‌های اجرای آن بحث می‌کنند مانند "اصول راهنمایی در آموزش و پرورش" نوشته رژه گال. ترجمه علی محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران (۱۳۷۱) یا کتاب اصول و فنون راهنمایی و مشاوره نوشته یوسف اردبیلی (۱۳۷۲) رجوع کرد.

و به طرق مقتضی کسانی که در این راه قدم‌های مؤثری برمی‌دارند، تشویق شوند. یقین است که هرگاه این اقدامات جزئی از سیاست و مدیریت کشور باشد و رهبران جامعه خود نیز به آن عامل باشند، مردم ما که از فرهنگی واقع‌بینانه و انسان‌دوستانه برخوردارند بسیار زود این رسم و نگرش را پیش خواهند گرفت و به فرهنگی که بتواند سرمشق ملل دیگر باشد، دست خواهند یافت.

مراجع

۱. اردبیلی یوسف، اصول و فنون راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش، ۱۳۷۲.
۲. شفیع آبادی عبد...، راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی، ۱۳۷۲.
۳. فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات کنفرانس روش‌های پیشگیری از اتلاف منابع ملی، ۲۱-۱۹ خرداد ۱۳۸۳ به ویژه مقالات زیر:
 الف - بهادری‌نژاد، مهدی، پیشنهادی برای کاهش اتلاف منابع ملی، صص. ۳۸۲-۳۷۵.
 ب - شمس اردکانی، محمدرضا و فاطمه فرجامند، راه‌های مقابله با مصرف غیرمنطقی دارو، صص. ۱۷۰-۱۵۱.
 ج - عابدینی، ژیللا، روش‌های پیشگیری از اتلاف منابع ملی، صص. ۴۵۸-۴۵۵.
 د - عزیزی، محمدحسین، بررسی راهکارهای کاهش ضایعات و بهبود کیفیت نان، صص. ۲۰۴-۱۹۵.
 ه. کشاورز، عباس و نادر حیدری، نگرشی بر اسراف و ضایع نمودن منابع آب کشور در مراحل تولید و مصرف محصولات کشاورزی، صص. ۵۲-۳۹.
 و. لشکری، محمد، روشهای پیشگیری از اتلاف وقت در کشور، صص. ۳۷۴-۳۶۳.
 ح. محقق داماد، سیدمصطفی، مصرف بی‌رویه اموال عمومی از نظر معارف اسلامی، صص. ۱۶-۵.
۴. کریمی، یوسف، روانشناسی اجتماعی، نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها، چاپ هفتم، نشر ارسباران، صص. ۳۶۵.
۵. گال، رژه، اصول راهنمایی در آموزش و پرورش، ترجمه علی محمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.